

Studying Iran's Criminal Policy regarding Financing of Terrorism in the Light of International Requirements

Mohammad Ali Hajidehabadi¹

Saeede Khatami²

Received: 05/02/2018; Accepted: 27/08/2018

Abstract

Creating horror at global level, terrorism has led governments to counter it extensively. To this end, international organizations combated terrorism through ratification of various conventions and resolutions. The scope of the fight against terrorism became more scopious when tackling the financing of terrorism was taken into account. International law sources, especially the Security Council's resolution 1373, 1999 International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism and The FATF Recommendations, by imposing specific methods in confronting the act of financing terrorism, have pushed countries to fight financing of terrorism increasingly. Currently, the fight against the financing of terrorism in different ways, including the adoption of precautionary measures for the early identification of sources used for the purpose of assisting terrorist operations, as well as taking responsive actions such as punishing perpetrators of terrorist financing and freezing their assets has become an international requirement. The present paper, through applying a descriptive-analytic method, while studying the international requirements in combating financing of terrorism and comparing it with Combating the Financing of Terrorism Act and its executive ordinance, explains the way in which Iran's legal system deals with the financing of terrorism. Thereafter, the article aims at analyzing Iran's criminal policy in countering the financing of terrorism in terms of main ideologies that govern it namely security-oriented versus freedom-oriented criminal policy.

Key words: Iran's Criminal Policy, International Requirements, Financing, Terrorism, Funding.



1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom (Corresponding Author); Email: dr_hajidehabadi@yahoo.com
2. Ph. D. Candidate in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیاست جنایی ایران در قبال جرم تأمین مالی تروریسم در پرتو الزامات بین‌المللی

محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی^۱

سعیده خاتمی^۲

تاریخ دریافت ۹۶/۱۱/۱۶ - تاریخ پذیرش ۹۷/۰۶/۰۵

چکیده

تروریسم با ایجاد وحشت در سطح جهانی، کشورها را بر آن داشت تا به مقابله‌ی گسترده با آن بپردازند. بدین‌منظور سازمان‌های بین‌المللی با تصویب کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های مختلف به مبارزه با تروریسم پرداختند. دامنه‌ی مبارزه با تروریسم از زمانی که مقابله با تأمین مالی آن نیز مورد توجه قرار گرفت گسترده‌تر شد. منابع حقوق بین‌الملل به ویژه قطعنامه‌ی ۱۳۷۳ شورای امنیت، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۹۹۹ و توصیه‌های گروه ویژه‌ی اقدام مالی، با الزامی کردن شیوه‌هایی خاص در برخورد با عمل تأمین مالی تروریسم، کشورها را به مبارزه‌ی هر چه بیشتر با تأمین مالی تروریسم سوق داده‌اند. در حال حاضر مبارزه با تأمین مالی تروریسم از طرق مختلف از جمله اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه به منظور شناسایی پیش از موعد منابعی که در راستای کمک به عملیات تروریستی مورد نقل و انتقال واقع می‌گردند و همچنین اقدامات واکنشی مانند مجازات مرتکبین تأمین مالی تروریسم و انسداد دارایی‌های آنان، به یک الزام بین‌المللی تبدیل گردیده است. نوشتار حاضر، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ضمن بررسی الزامات بین‌المللی در مقابله با تأمین مالی تروریسم و تطبیق آن با قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، شیوه‌ی مقابله با تأمین مالی تروریسم را در نظام قانونی ایران تبیین می‌نماید، سپس به تحلیل سیاست جنایی ایران در مقابله با تأمین مالی تروریسم از حیث ایدئولوژی‌های حاکم بر آن یعنی امنیت‌گرایی در مقابل آزادی‌گرایی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی ایران، الزامات بین‌المللی، تأمین مالی، تروریسم، تمویل.

۱) دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)، رایانامه:

dr_hajidehabadi@yahoo.com

۲) دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.





مقدمه

مقابله با تروریسم، به عنوان بزرگ‌ترین چالش علیه امنیت کشورها، یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های جامعه‌ی جهانی است. از آنجا که هر اقدام تروریستی مستلزم صرف هزینه است، در نتیجه پول را باید به مثابه‌ی خونی دانست که در رگ‌های سازمان‌های تروریستی جریان دارد، به گونه‌ای که بدون آن، این سازمان‌ها قادر به ادامه حیات یا انجام فعالیت‌های خود نخواهند بود. (کارگری، ۱۳۹۱: ۱۱۶-۱۱۵) لذا جامعه‌ی بین‌المللی دریافت تا زمانی که منابع مالی تروریسم خشکانده نشود، تروریسم سرکوب نخواهد شد. (الهویی نظری، ۱۳۹۶: ۷۲۶)

امروزه مقابله با تروریسم از طریق بستن راه‌های مالی تأمین آن، نه تنها به یک هدف مشترک، بلکه به یک الزام بین‌المللی تبدیل گردیده است. این الزام از طریق قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت ملل متحد، به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ و کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۹۹۹ و علاوه بر این، توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی موسوم به FATF^۱ صورت گرفته است. (طیعی فرد، ۱۳۸۴: ۲۶۱) در اسناد بین‌المللی فوق مهم‌ترین الزام شکل گرفته برای دولت‌ها در زمینه مبارزه با تروریسم، جرم‌انگاری تأمین مالی آن است. ایران نیز همراه با سیاست‌های جهانی در مبارزه با تروریسم، خصوصاً به منظور جلب نظر گروه اقدام مالی که وضعیت قوانین کشورها را در رابطه با مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم بررسی می‌کند (Banifatemi, 2002: 115; Perrin, 2012: 216; Favarel-Garrigues, 2003: 38) با تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در سال ۱۳۹۴ گام مهمی در این زمینه برداشت.





مبارزه با تأمین مالی تروریسم از آن جهت به بحثی ویژه تبدیل گردیده که در آن واحد موضوعی اقتصادی، حقوقی، دیپلماتیک و پلیسی است. (Amicelle, 2008: 169)

جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم باعث شکل‌گیری مباحث متنوعی در علم حقوق گردیده و می‌توان آن را از دیدگاه‌های مختلف حقوقی، فقهی، جرم‌شناختی و همچنین از منظر سیاست جنایی مورد بحث و بررسی قرار داد. اما با توجه جدید بودن قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و نیز مباحث قانونی ادامه‌دار و اصلاحات حول این قانون و قوانین مرتبط با آن مانند لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم، جرم تأمین مالی تروریسم تاکنون آن‌چنان که باید از دیدگاه سیاست جنایی مورد تحقیق واقع نگردیده، لذا بحث و تعمق در این باره ضروری است. آنچه در این مقاله مورد تلاش واقع گردیده، تحلیل جرم تأمین مالی تروریسم از دیدگاه سیاست جنایی بر اساس اصلی‌ترین ایدئولوژی‌های حاکم بر آن است. توضیح آنکه در حال حاضر اصلی‌ترین تقابل در دل سیاست جنایی، تقابل گفتمان امنیت‌گرایی در برابر گفتمان آزادی‌گرایی است. زیرا معمولاً در سیاست جنایی به خصوص در عصر حاضر، این دو گفتمان که یکی بر حفظ امنیت اجتماعی و دیگری بر حقوق شهروندان که جوهره آن آزادی است، در تقابل با یکدیگر قرار دارند. (دل‌ماس مارتی، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۱۰۵) لذا مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤالات است؛ چه الزامات قانونی بین‌المللی در مقابله با تأمین مالی تروریسم وجود دارد؟ از الزامات مزبور کدام موارد به قوانین مصوب در ایران ورود پیدا کرده است؟ با توجه به چارچوب قانونی شکل گرفته در ایران در مبارزه با تأمین مالی تروریسم، سیاست جنایی ایران در این مبارزه، از حیث گفتمان امنیت‌گرایی در مقابل آزادی‌گرایی، در چه جایگاهی قرار دارد؟

۱. مفاهیم

۱-۱. سیاست جنایی

سیاست جنایی مجموعه روش‌هایی است که هیأت اجتماع با توسل و به کار بستن آن‌ها پاسخ‌های مختلف به پدیده جنایی را سازمان می‌بخشد (دل‌ماس مارتی، ۱۳۹۳: ۶۹) سیاست جنایی علاوه بر قواعد حقوقی، عملکرد نهادهایی مختلف را که اجرای قواعد مزبور را به





عهده دارند در بر می گیرد. این نهادها عبارتند از: پلیس، دادسراها، دادگاهها، اداره زندانها، اداره آموزش و تربیت مراقبتی مجرمان، نهادهای پیشگیری از جرم و ادارات خدمات اجتماعی. بنابراین مجموعه‌ای از فعالیت‌های نهادی (رسمی) وجود دارد که همچون خود قانون جزء سیاست جنایی قرار می گیرند. شیوهی عملکرد نهادها و قواعد حقوقی، نظام عدالت جنایی و نظام کیفری با هم ترکیب می شوند و ساختاری به نام «نظام سیاست جنایی» شکل می گیرد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۲: ۱۰۷)

۱-۲. تأمین مالی تروریسم

در تعریف تأمین مالی تروریسم ابتدا باید به معنای واژه «تروریسم» پرداخت. تروریسم، از کلمه ترور^۱ به معنای ترس اخذ شده است. علی‌رغم گذشت چندین دهه از وجود نوشته‌های آکادمیک، در خصوص تروریسم هیچ تعریفی که پذیرش همگانی داشته باشد وجود ندارد. برخی تروریسم را رفتار و اعمال فرد یا گروهی می دانند که از راه ایجاد ترس و وحشت و به کار بستن زور می خواهد به اهداف سیاسی خود برسد. (علیزاده، ۱۳۷۷: ۲۷۴) برخی دیگر آن را شکلی از اقدام خشنوت‌بار دولتی یا غیر دولتی، که با هدف دستیابی به یک منظور سیاسی صورت می گیرد، معنی کرده‌اند. (الیوت، ۱۳۷۴: ۲۶) یکی از جامع‌ترین تعاریف آکادمیک از تروریسم که مکرراً نقل شده، تعریف آلکس پ. اشمید می باشد که بیان می دارد تروریسم شیوه‌ای از اقدامات تکراری به منظور ایجاد دلهره و رعب و وحشت است که به دلایل سلیقه‌ورزی، جنایی و یا سیاسی توسط گروه‌های مختلف به کار گرفته می شود. (جی بیدی، ۱۳۷۸: ۲۴۹-۲۴۸) قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم بدون ارائه تعریفی از تروریسم مصادیق آن را در بند (الف) الی (ت) ماده (۱) این قانون بیان نموده است.

تعریف «تأمین مالی تروریسم» نخستین بار در بند ۱ ماده (۲) «کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم» مصوب ۹ دسامبر ۱۹۹۹ مجمع عمومی سازمان ملل بیان گردید که عبارتست از «ارائه یا جمع‌آوری وجوه، به هر وسیله، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، بر





خلاف قانون و به طور عمد، به قصد یا به علم اینکه به طور کلی یا جزئی صرف اجرای اعمال تروریستی گردد.» در نظام حقوقی ایران تأمین مالی تروریسم به موجب «قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱۳ اصلاحی مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۰ مجلس شورای اسلامی، تعریف گردید، که مطابق آن تأمین مالی تروریسم عبارتست از «تهیه یا جمع آوری وجوه یا اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری برای انجام اعمال زیر یا جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی، تأمین مالی تروریسم است و جرم محسوب می‌شود.»

بنابراین به طور خلاصه تأمین مالی تروریسم عبارتست از تهیه، جمع‌آوری یا مصرف وجوه و اموال به هر طریق برای افراد تروریست و سازمان‌های تروریستی. مصادیق برشمرده شده در این ماده حصری نیستند و فقط به عنوان نمونه آورده شده‌اند و هر عمل دیگری که بتواند منجر به رسیدن منابع مالی به تروریست‌ها شود، تأمین مالی تروریسم محسوب می‌شود. چه این عمل خود قانونی باشد چه غیرقانونی. به عنوان مثال اختصاص دادن درآمدهای حاصله از کسب و کارهای مشروعی همچون کشاورزی، دامپروری و غیره با انگیزه کمک به اقدامات تروریستی، تأمین مالی تروریسم است. همان‌گونه که اختصاص دادن درآمد غیرقانونی حاصله از جرایم آدم‌ربایی، کلاهبرداری، قاچاق الماس، قاچاق انسان و غیره به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی تأمین مالی تروریسم محسوب می‌شود.

۲. مبانی

۲-۱. مبانی سیاست جنایی

سیاست جنایی، همچون هر سیاستی، یک اقدام، راهبرد و جنبش برای رسیدن به هدفی معین است. هر سیاست، زیر سلطه‌ی ایدئولوژی است. (دلماست مارتی، ۱۳۹۳: ۱۰۵) برای





ارائه تحلیلی درست از مبانی سیاست جنایی باید به ریشه‌ی آن یعنی ایدئولوژی حاکم بر آن توجه نمود. اما ایدئولوژی چیست و چگونه می‌توان به فهم درستی از آن دست یافت؟ واژه‌ی «ایدئولوژی» را نخستین بار فیلسوف فرانسوی «دستوت دو تراسی»^۱ به معنی «علم آراء و عقاید» یا به عبارت دیگر «تحقیق و بررسی منشأ تحول و تکامل آراء و اندیشه‌ها» به کار برد. با گذشت زمان، معنای واژه‌ی ایدئولوژی نیز دستخوش تغییراتی شد و به جای علم آراء و عقاید، معنای آراء و عقاید و اندیشه‌هایی درباره‌ی انسان، جامعه و جهان را به خود گرفت. (توحید فام، ۱۳۷۴: ۵۴) امروزه دو گفتمان غالب در سیاست جنایی، آزادی‌گرایی در مقابل امنیت‌گرایی است. ایدئولوژی حاکم بر آزادی‌گرایی، اندیشه‌ی فردگرایی یا لیبرالیسم و ایدئولوژی حاکم بر امنیت‌گرایی طیفی از اندیشه‌های جمع‌گرایانه از جمله ناسیونالیسم، سوسیالیسم و محافظه‌گرایی است.

۲-۱-۱. سیاست جنایی مبتنی بر آزادی‌گرایی

اساس این نوع سیاست جنایی بر اندیشه‌ها و نظریات فرد‌گرایانه مبتنی است. فردگرایان بر این باورند که همه‌ی انسان‌ها از خرد بهره‌مندند و خردمندی ضامن آزادی است. خردمندی و آزادی فکر دو جزء جدایی‌ناپذیرند. (بشیریه ۱۳۸۶: ۱۱) فرد، موجودی خودبنیاد، یعنی ناوابسته به جمع و گروه است. در پس نیازها و خواست‌های او هیچ‌گونه واقعیت دیگری وجود ندارد که انسان‌ها را به یکدیگر پیوند دهد. بنابراین فرد بر جامعه تقدم دارد. جامعه یک مجموعه اعتباری است که در اصل از فردها تشکیل شده است و از این رو بر جامعه تقدم دارد و جامعه به مثابه دستاورد اراده‌های فردی است. جامعه مصنوع انسان است که با تعهد عقلانی پدید آمده است. (قماش، ۱۳۸۸: ۱۵۱)

۲-۱-۲. سیاست جنایی مبتنی بر امنیت‌گرایی

سیاست جنایی مبتنی بر امنیت‌گرایی، بر نظریات جمع‌گرایانه استوار است. جمع‌گرایان به انسانیت کلی و فردیت انتزاعی، به دیده شک می‌نگرند و باور دارند انسان نمی‌تواند به تنهایی و با تصمیم فردی به خیر و سعادت دست یابد، بلکه باید در دل فرهنگ اجتماعی





رشد یابد و از آن فرمان برداری کند. دستیابی به چنین امری نیازمند نظمی مستحکم است. (گری، ۱۳۸۱: ۳۳) جمع گرایان باور دارند ریشه‌ی بی‌نظمی انسان است. انسان‌ها اگر زیر نظر گروه نباشند، ضد اجتماعی و نامتمدن عمل می‌کنند. (هیوود، ۱۳۸۳: ۲۴۷) در این دیدگاه، منافع جامعه بر منافع فرد برتری دارد و حتی در موارد ضروری، مصالح و حقوق فردی در برابر جامعه نادیده انگاشته می‌شود. دولتی که از چنین جامعه‌ای برمی‌خیزد، دولتی نیرومند است که می‌تواند آنچه را به صلاح فرد می‌داند انجام دهد، اگرچه به رغم حقوق فردی و خواسته وی باشد. (هیوود، ۱۳۸۳: ۶۷)

بنابراین به طور خلاصه در فردگرایی حمایت از حقوق فردی و در جمع‌گرایی حمایت از حقوق جامعه از اولویت برخوردار است. پر واضح است که سیاست جنایی متأثر از ایدئولوژی‌های فردگرایی بر اصل قانون‌مندی، برائت، اصول دادرسی عادلانه و کلیه اصولی که حقوق فردی را تقویت می‌کند صحنه می‌گذارد و در مقابل سیاست جنایی متأثر از جمع‌گرایی اصولی از قبیل تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت، توسعه‌ی دامنه‌ی مسئولیت و هرگونه اصولی که بتواند حقوق جامعه را در برابر متهم تقویت کند اتخاذ می‌نماید.

۳. مبانی حقوقی جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم

با در نظر داشتن اینکه اعمال تروریستی به عنوان یکی از جرایم علیه امنیت در کشورها عملی مجرمانه است، تعقیب کیفری هرگونه اقدامی که به منظور تسهیل این جرایم انجام شود، از جمله تأمین مالی آن، تحت عنوان معاونت در جرم امکان‌پذیر بود. اما در حال حاضر تأمین مالی تروریسم خود تحت عنوان جرمی مستقل جرم‌انگاری گردیده است. جرم‌انگاری رفتارهایی که زمینه‌ساز ارتکاب جرایم دیگر هستند امری مرسوم در حقوق کیفری است و به آن‌ها «جرایم مانع» گفته می‌شود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۶) در خصوص ضرورت جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم باید به این نکته توجه نمود که ارتکاب اعمال تروریستی مستلزم صرف هزینه است و مقابله با آن جز با ردگیری و کور کردن سرچشمه‌های تأمین مالی آن امکان‌پذیر نیست. توضیح اینکه انجام اقدامات





تروریستی متضمن خرید وسایل مورد نیاز برای آن، مانند تفنگ، مواد منفجره، لوازم ارتباطی و غیره است که با توجه به تأمین آن‌ها از بازار سیاه، در بسیاری از موارد هزینه‌ی صرف شده برای تروریست‌ها را بیش از حد معمول می‌کند. علاوه بر این، سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی همچون سازمان‌های عادی (غیرتروریستی) هزینه‌های بسیاری را صرف نگهداری خود می‌کنند. برای نمونه هزینه عضوگیری جدید برای سازمان و ساختن کمپ‌های آموزشی برای اعضا، از جمله موارد هزینه‌بردار برای سازمان است. همچنین با پیشرفت هرچه بیشتر تجهیزات ایمنی در سطح جهانی، نقض امنیت نیز مستلزم هزینه هرچه بیشتر خواهد بود. از این رو گروه‌های تروریستی برای مقابله با چنین وضعیتی ناچارند هزینه‌های بسیاری صرف کنند تا بتوانند در نقض امنیت و ایجاد چالش موفقیت کسب کنند. (الهویی نظری، ۱۳۹۶: ۷۲۷) لذا با توجه به اهمیت پیشگیری از جرایم تروریستی، تأمین مالی تروریسم امروزه مورد جرم‌انگاری کشورها از جمله ایران واقع گردیده است.

۴. مبانی فقهی جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم

با توجه به این که طبق اصل چهارم قانونی اساسی جمهوری اسلامی ایران «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد»، لذا ضرورت دارد مبانی شرعی و فقهی جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم نیز مورد بررسی قرار گیرد.

همان‌طور که گفته شد تأمین مالی تروریسم در ماهیت و ذات خود با معاونت در جرم سنخیت بیشتری دارد، لذا می‌توان مبانی فقهی ممنوعیت و جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم را از قاعده‌ی فقهی «حرمت اعانه‌ی بر اثم» استنباط نمود. زیرا جرم، در فقه اسلامی همان گناه و معصیت است و معاونت در جرم همان معاونت بر اثم و گناه. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۵)

در فهم معنای قاعده‌ی فقهی «حرمت اعانه‌ی بر اثم» دقت نظر در دو کلمه «اعانه» و «اثم» ضروری است. در لغت «معاونت» یا «اعانت» از ریشه‌ی «عون» است به معنی «یاری»، «دستگیری» و «پشتیبانی» (ابن منظور، ۱۴۱۲: ۴۸۹) و در معنای اصطلاحی اعانت می‌توان



گفت که عبارتست از انجام بعضی از مقدمات کاری که دیگری انجام می‌دهد، با قصد انجام و تحقق فعل از آن شخص مورد نظر، نه بدو قصد مطلقاً. (انصاری، ۱۳۷۴: ۴۸) برای «اثم» در لغت معانی مختلفی ذکر شده از جمله «گناه»، «قمار» و «کار حرام» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۳۳) و در معنای اصطلاحی اثم می‌توان گفت آن چیزی است که خداوند سبحان از آن نهی کرده، خواه گناه صغیره باشد خواه گناه کبیره. ترک هر چیزی که واجب است، انجام هر چیزی که حرام است و گناه و سرکشی را اثم گویند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۱۹: ۳۰۹) لذا اعانه بر اثم به معنی تهیه مقدمات و اسباب معصیت برای کسی است که قصد ارتکاب آن را دارد.

فقها برای اثبات حرمت اعانت بر اثم به دلایل گوناگونی تمسک جسته‌اند. گروهی از آیه‌ی شریفه‌ی «تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان» (مائده: ۲) حرمت اعانت بر اثم را استنباط نموده‌اند. در روایات نیز حدیثی از پیامبر (ص) نیز منقول است که «من اعان علی قتل مسلم و لو بشرط کلمه، جاء یوم القیامه مکتوباً بین عینیه آیس من رحمه الله؛ کسی که همکاری و کمک کند برای قتل مسلمانی ولو دخالتش در حد یک کلمه باشد، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که بین دو چشمش نوشته شده: ناامید از رحمت خدا» (الاحصائی، ۱۴۰۵: ۲۸۳) همچنین روایات بسیاری در نهی از کمک به ظالمین وجود دارد، از جمله گفته شده است: «هرکس قدمی برای یاری ظالم بردارد، از اسلام خارج شده است.» (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸۲) احادیثی نیز وجود دارد که اجازه دادن محل کسب به فروشندگان و سازندگان خمر را نهی کرده‌اند. (طوسی، ۱۳۹۰: ۵۵) رسول خدا نیز در مورد خمر ده نفر را لعنت فرموده‌اند: «کارنده درخت، باغبان، خمرساز، خورنده، نوشاننده، حامل، آنکه برایش حمل شود، فروشنده، خریدار و گیرنده پول خمر.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۲۹) عقل نیز این قاعده را استنباط می‌کند، چرا که همچنان که انجام منکر عقلاً قبیح است و همچنان که امر به آن و تشویق به آن عقلاً قبیح است، انجام مقدمات برای منکر نیز قبیح است. (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۷۸) اگرچه فقهای عظام بر حرمت اعانت بر اثم اجماع نیز دارند، ولی با وجود آیه و سایر دلایل اجماع فاقد اعتبار





است. زیرا قهراً چنین اجماعی، اجماع مدرکی است و اجماع مدرکی دلیل مستقلى نمى‌باشد. (موسوى بجنوردى، ۱۳۸۵: ۵)

گفته شد که ماهیت جرم تأمین مالی تروریسم به معاونت در جرم یا اعانه بر اثم شباهت دارد. در جرم بودن اعمال تروریستی با توجه به تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم شکی نیست، لیکن برای اینکه بتوان ممنوعیت تأمین مالی تروریسم از منظر فقه اسلامی بر مبنای قاعده حرمت اعانه بر اثم را استنباط کرد، صدق عنوان «اِثم» بر اعمال تروریستی ضروری است، لذا ماهیت تروریسم نیز از منظر فقه باید مورد واکاوی قرار گیرد. ارائه معادلی برای «ترور» و «تروریسم» در حقوق جزای اسلامی جزو دغدغه‌های فقها و اندیشمندان مسلمان بوده است. اگرچه در فقه عملی که به معنای دقیق کلمه به معنی تروریسم باشد وجود ندارد، ولی با توجه به عناصر و ویژگی‌های ترور و تروریسم اندیشمندان اسلامی معادل‌هایی همچون ارهاب (به معنی ترساندن و دهشت‌افکنی)، اغتيال (به معنی به ناگاه کشتن، با خدعه کشتن، پنهانی کشتن)، فتک (فردی را بی خبر، ناگهانی و از روی غفلت کشتن) و محاربه (اسلحه کشیدن به قصد ترساندن مردم) در فقه یافته‌اند. (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۹۳-۸۹؛ شیرودى، ۱۳۸۲: ۱۵۸-۱۵۷)

در میان عناوین یاد شده «محاربه» قرابت معنایی بیشتری با تروریسم دارد، هرچند میان حقوقدانان مسلمان از حیث اینکه رابطه میان تروریسم و محاربه به چه شکل است اختلاف نظر وجود دارد، بدین نحو که برخی محاربه را اعم از ترور و تروریسم دانسته و معتقدند می‌توانیم هر کسی را که مرتکب جرایم تروریستی گردیده به مجازات محاربه محکوم کنیم (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۰۰-۹۹) و برخی دیگر بر آنند که تروریسم اعم از محاربه است و محاربه می‌تواند مصداقی از تروریسم باشد، ولی همه‌ی مصادیق تروریسم مشمول عنوان محاربه نمی‌شود (حیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۶۶)، لیکن با توجه به معنایی که برای اثم ذکر شد، آنچه مسلّم است صدق عنوان «اِثم» بر مصادیق اعمال تروریستی است، زیرا ترور اقدامی ترس‌آفرین، وحشت‌آمیز، غیرقانونی، پنهانی، غافل‌گیرانه، رعب‌انگیز و ... است که با کشتن افراد مخالف (به ویژه مخالفان سیاسی) و تخریب اماکن متعلق به آنها از طریق روش‌های زورمندانه و غیره صورت می‌گیرد، بنابراین هیچ تردیدی در صدق اثم بر این گونه





فعالیت‌ها باقی نمی‌ماند. درحالی که در آیات مختلف قرآن، ترور پنهانی را مردود می‌داند، کشتن انسان پاک را رد می‌کند، قتل انسان غیرقاتل و غیرفاسد را نمی‌پذیرد و نیز ریختن خون انسانی که خونش محترم است را منع می‌نماید. (شیرودی، ۱۳۸۲: ۱۷۱-۱۷۲) طبعاً اعانه بر این فعالیت‌ها نیز مشمول نهی الهی از اعانه بر اثم در قران (مائده: ۲) می‌گردد، خصوصاً که بیشتر این اعانه‌ها همچون تمویل از نوع اعانه مستقیم است.

۵. الزامات بین‌المللی برای مقابله جرم تأمین مالی ترورسم

در بررسی و تحلیل نظام سیاست جنایی هر کشور می‌بایست قواعد حقوقی و نیز عملکرد نهادهایی مختلف که اجرای این قواعد را به عهده دارند توأمان مورد توجه قرار گیرد. این بدان معناست که صرف تجزیه و تحلیل قوانین موجود خصوصاً قوانین جزایی برای ارائه تصویر دقیقی از سیاست جنایی یک کشور در مقابله با جرایم یا در مقابله با جرمی خاص کفایت نمی‌کند. بدین منظور عملکرد نهادهایی که به موجب الزامات قانونی بین‌المللی و داخلی موجود در مقابله با جرم تأمین مالی ترورسم متولی امر می‌باشند باید مورد تحلیل واقع گردد. در منابع بین‌المللی برای مقابله با تأمین مالی ترورسم تدابیر و اقدامات گسترده‌ای پیش‌بینی شده که می‌بایست توسط دولت و نهادهای عمومی کشورها اجرا گردد. این تدابیر و اقدامات را می‌توان در دو دسته کنشی و واکنشی مورد بررسی قرار داد. منظور از کنش‌ها، تدابیر و اقداماتی است که به منظور پیشگیری از جرم تأمین مالی ترورسم می‌بایست اندیشیده شود و منظور از واکنش‌ها، پاسخ‌هایی است که حکومت‌ها در برابر مرتکبین این جرم باید از خود نشان می‌دهند.

۵-۱. کنش‌ها

۵-۱-۱. شناسایی کافی مشتریان

در پیش‌گیری از وقوع جرم تأمین مالی ترورسم نخستین قدم شناسایی کسانی است که به مؤسسات مالی، یا سایر مشاغلی که در معاملات پولی دخالت دارند، مراجعه می‌کنند. کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی ترورسم در این خصوص به لزوم احراز هویت صاحبان واقعی حساب توسط مؤسسات مالی، لزوم اتخاذ تدابیر جهت شناسایی اشخاص





حقوقی و ممنوعیت افتتاح حساب در مواردی که صاحبان یا برداشت کنندگان حساب ناشناس یا غیر قابل شناسایی هستند اشاره می کند. (بند الف و ب ردیف ۱ ماده ۱۸)

در توصیه های گروه اقدام مالی نیز لزوم شناسایی کافی مشتریان مورد تأکید است، لذا مؤسسات مالی از نگهداری حساب های بی نام و حساب هایی که جعلی بودن نام صاحب آن محرز گردیده است ممنوع گردیده اند. (توصیه شماره ۱۰) البته گروه اقدام مالی در خصوص احراز هویت مشتریان رویکردی مبتنی بر ریسک دارد. این رویکرد در توصیه شماره ۱ به صورت کلی و در توصیه شماره ۱۰ به طور خاص در خصوص احراز هویت مشتریان تجویز گردیده است. مطابق این توصیه اقداماتی که به منظور شناسایی کافی مشتری باید انجام شوند به شرح زیر است، با لحاظ این نکته که دامنه این تدابیر باید بر مبنای رویکردی مبتنی بر ریسک باشد؛

«الف) شناسایی مشتری و احراز هویت وی یا استفاده از اطلاعات، مستندات، و منابع مستقل و معتبر. ب) شناسایی مالک ذینفع و اتخاذ تدابیر معقول برای احراز هویت مالک ذینفع، به نحوی که مؤسسه مالی اطمینان یابد مالک ذینفع را می شناسد. در مورد اشخاص حقوقی، شناسایی باید به صورتی باشد که مؤسسات مالی نسبت به مالکیت و ساختار کنترلی مشتری آگاهی پیدا کنند. پ) شناخت و حسب مورد کسب اطلاعات درباره هدف و ماهیت روابط کاری مورد نظر. ت) اجرای مستمر فرایند شناسایی کافی مشتریان در مورد روابط کاری و بررسی دقیق و موشکافانه معاملات انجام شده در طول دوره روابط کاری تا بدین وسیله اطمینان حاصل شود که معاملات مزبور بر اساس شناخت مشتری، کسب و کار و وضعیت ریسک وی نسبت به منشأ وجوه مربوط انجام می شوند.»

تکلیف کلی مؤسسات مالی به شناسایی مراجعان هنگام ارائه تمام خدمات و انجام عملیات پولی و مالی در بند الف ماده (۱۳) قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مقرر گردیده، اما آیین نامه اجرایی این قانون در خصوص این موضوع رویکردی مبتنی بر ریسک را اتخاذ نموده است. در این راستا نخست، سه سطح از شناسایی مشتریان (اولیه، کامل و مضاعف) در ماده (۱) آیین نامه تعریف شده، سپس تکلیف کلی شناسایی ارباب رجوع در مواد فصل دوم آیین نامه و در خصوص ارباب رجوع با ریسک بالاتر، بر لزوم





شناسایی کامل و مضاعف تأکید گردیده است. لازم به ذکر است در نحوه تعیین سطح ریسک ارباب رجوع تبصره ۱ ماده (۲) آیین‌نامه به مؤلفه‌هایی از قبیل پیشینه، شغل، منبع درآمد و دارایی، موطن اصلی و کشوری که در آن اقامت دارد، خدماتی که ارباب رجوع استفاده می‌کند و فعالیت‌های تجاری وی اشاره کرده است.

۵-۱-۲. پایش مستمر و گزارش‌گری معاملات مشکوک

طبیعتاً پس از شناسایی مشتری، پایش مستمر بر فعالیت مشتری به منظور پیشگیری از وقوع جرم تأمین مالی تروریسم ضرورت دارد. در کنوانسیون یکی از تدابیر پیش‌بینی شده عبارتست از «توجه ویژه به معاملات غیر عادی یا مشکوک و گزارش کردن معاملاتی که درمورد منشأ فعالیت‌های جنایی آنها ظن وجود دارد.» در همین راستا به دولت‌های عضو تأکید گردیده که مؤسسات مالی را ملزم نمایند که کلیه تبادلات گسترده غیرعادی و پیچیده و شیوه‌های غیرعادی مبادله، که در ظاهر امر هیچ هدف اقتصادی بارز یا قصد و نیت قانونی آشکاری ندارند را به مراجع ذیصلاح گزارش نمایند، به گونه‌ای که چنانچه موارد مشکوک را با حسن نیت گزارش دهند، نگران پیگرد مدنی یا جنایی به خاطر نقض محدودیت‌های مربوط به افشای اطلاعات نباشند. (بند ج ردیف ۱ ماده ۱۸) افزون بر این مطلب، نگهداری سوابق مبادلات مالی به منظور حسن انجام این وظیفه توسط مؤسسات پولی ضرورت دارد که حداقل زمان لازم در کنوانسیون به مدت ۵ سال تعیین گردیده است. (بند د ردیف ۱ ماده ۱۸)

گزارش‌گری معاملات مشکوک در توصیه‌های گروه اقدام مالی نیز به شرح زیر آمده است؛

- الزام قانونی مؤسسات مالی به گزارش فوری شک خود به واحد اطلاعات مالی، در صورتی که دلایل منطقی برای مشکوک شدن داشته باشد مبنی بر اینکه وجوه مورد نظر، عواید یک فعالیت مجرمانه و یا مرتبط با تأمین مالی تروریسم است. (توصیه شماره ۲۰ و توصیه ویژه شماره ۴)

- معافیت مؤسسات مالی، مدیران، کارکنان ارشد و کارمندانی که با حسن نیت به واحد اطلاعات مالی گزارش کنند - حتی در صورتی که درباره فعالیت مجرمانه منشأ،





اطلاع دقیقی نداشته باشند و صرف نظر از وقوع یا عدم وقوع فعالیت غیرقانونی به صورت واقعی - از نقض هرگونه محدودیت قانونی یا قراردادی، مقرراتی یا اجرایی ناظر بر افشای اطلاعات. (توصیه شماره ۲۱)

- الزام برخی مشاغل غیرمالی معین از جمله بنگاه‌های معاملات ملکی، معامله‌گران فلزات و سنگ‌های گران‌بها، و کالا، سردفتران، حسابداران به گزارش‌دهی موارد مشکوک. (توصیه شماره ۲۳)

- تأسیس «واحد اطلاعات مالی» به عنوان مرکز ملی جهت دریافت و تحلیل گزارش مربوط به معاملات مشکوک و سایر اطلاعات مربوط به پولشویی، جرایم منشأ مربوط و تأمین مالی تروریسم. (توصیه شماره ۲۹)

- الزام مؤسسات مالی به نگهداری سوابق و مدارک دریافت شده در فرآیند شناسایی مشتری، همچنین سوابق معاملات اعم از داخلی و بین‌المللی حداقل به مدت ۵ سال. (توصیه شماره ۱۱)

در خصوص گزارش‌گیری عملیات مشکوک قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مقرر داشته کلیه اشخاص مشمول قانون مبارزه با پولشویی (که مطابق ماده (۵) و (۶) این قانون عبارتند از بانک مرکزی، بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری، بیمه‌ها، بیمه مرکزی، صندوق‌های قرض‌الحسنه، بنیادها و مؤسسات خیریه و شهرداری‌ها، دفاتر اسناد رسمی، وکلای دادگستری، حساب‌برسان، حسابداران، کارشناسان رسمی دادگستری و بازرسان قانونی) موظفند عملیات مشکوک را به شورای عالی مبارزه با پولشویی ارسال کنند. (ماده ۱۴) اشخاصی که در راستای اجرای این ماده مبادرت به ارسال گزارش به مراجع ذیربط می‌کنند مشمول مجازات مربوط به افشای اسرار اشخاص نمی‌باشند. (تبصره ۲ ماده ۱۴)

در آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم پایش مستمر نسبت به خدماتی که به مشتریان ارائه می‌گردد، همچنین نسبت به معاملات و عملیات مشکوک ارباب رجوع، با رویکردی مبتنی بر ریسک مورد تأکید واقع گردیده است. (ماده ۸) مطابق آیین‌نامه معاملات و عملیات مشکوک عبارتست از هرگونه عملیاتی که اشخاص مشمول با در دست داشتن اطلاعات، قراین و شواهد منطقی ظن قوی پیدا کنند که این عملیات به





منظور شروع یا ارتکاب تأمین مالی تروریسم می‌باشد. (بند ۱ ماده ۱) همچنین اشخاص مشمول قانون مبارزه با پولشویی باید سامانه‌هایی برای شناسایی عملیات مالی یا معاملات یا الگوهای فعالیت غیر معقول یا مشکوک در ارتباط با تأمین مالی تروریسم طراحی و راه‌اندازی نمایند. (ماده ۹)

تأسیس واحد اطلاعات مالی مشابه آنچه در توصیه شماره ۲۹ گروه اقدام مالی آمده است در آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی پیش‌بینی گردیده که یکی از اهداف تأسیس آن جمع‌آوری و اخذ اطلاعات معاملات مشکوک و همچنین ارزیابی، بررسی و تحلیل گزارش‌های مبنی بر معاملات مشکوک می‌باشد. (ماده ۳۸ آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی) مطابق ماده (۱۴) آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم اشخاص مشمول ماده ۵ قانون مبارزه با پولشویی باید واحدی را به عنوان مسئول مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم به واحد اطلاعات مالی معرفی نماید و مطابق ماده (۱۴) این آیین‌نامه تمامی اشخاص مشمول مکلفند در صورت مشاهده عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم، مراتب را از طریق واحد مسئول مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم خود به واحد اطلاعات مالی منعکس نمایند.

در نهایت تکلیف مؤسسات مالی به نگهداری سوابق و اطلاعات مربوط به شناسایی مشتریان و معاملات و عملیات مالی در قانون مبارزه با تروریسم و آیین‌نامه اجرایی نیز حداقل به مدت ۵ سال مقرر گردیده است. (بند ب ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۲ آیین‌نامه)

۵-۳. نظارت بر فعالیت مؤسسات غیرانتفاعی و خیریه

نهادهای و مؤسسات غیرانتفاعی و خیریه در مقابل سوءاستفاده‌هایی احتمالی برای ارتکاب تأمین مالی تروریسم آسیب‌پذیرند. بنابراین گروه اقدام مالی در خصوص نظارت بر فعالیت توجهی ویژه دارد. در این راستا توصیه شماره ۸ گروه اقدام مالی مقرر می‌دارد قوانین و مقررات مربوط به نهادهایی که ممکن است برای تأمین مالی تروریسم مورد سوءاستفاده قرار گیرند را به لحاظ اطمینان از کفایت آنها، مورد بازنگری قرار دهند. در این توصیه به آسیب‌پذیر بودن این گونه نهادها اشاره شده و سه شیوه‌ای که ممکن است این سوءاستفاده رخ دهد بیان گردیده است؛ الف) سوءاستفاده از آنها توسط سازمان‌های تروریستی که در





پوشش مؤسسات قانونی ظاهر می‌شوند، ب) بهره‌برداری از مؤسسات قانونی به عنوان مجاری تأمین مالی تروریسم، از جمله گریز از اقدامات ناظر بر مسدود کردن دارایی‌ها، پ) پنهان کردن و یا مبهم ساختن انحراف پنهانی وجوه تخصیص داده شده به مقاصد مشروع به سوی سازمان‌های تروریستی. مجدداً در توصیه ویژه شماره ۸ گروه اقدام مالی بر لزوم کفایت قوانین حاکم جهت پیشگیری از سوءاستفاده از نهادهای غیرانتفاعی تأکید می‌گردد و توصیه می‌گردد که کشورها اطمینان حاصل کنند که سازمان‌های تروریستی که در قالب مشروع فعالیت می‌کنند، در قالب قانونی از این مؤسسات به منظور نقل و انتقال پول استفاده نکنند.

همانند آنچه در توصیه‌های گروه اقدامی بیان گردید در آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم نیز آمده است. مطابق ماده (۲۰) آیین‌نامه و تبصره ۱ آن شورای عالی مبارزه با پولشویی باید تدابیری اتخاذ نماید که امکان سوءاستفاده از سازمان‌های غیرانتفاعی و خیریه و یا امکان فعالیت در قالب خیریه و مؤسسات غیرانتفاعی برای تأمین مالی تروریسم به وجود نیاید، همچنین شورا باید با اتخاذ تدابیر مناسب مانع بهره‌برداری از سازمان‌های غیرانتفاعی و خیریه‌ها جهت تأمین مالی تروریسم و یا انحراف وجوه تخصیص یافته و اعانات واریز شده و منافع آن به این گونه مؤسسات شوند. ضمن اینکه این تدابیر باید مانع بهره‌برداری افراد و گروه‌های تروریستی از مؤسسات قانونی به منظور گریز از اقدامات ناظر بر مسدود کردن دارایی‌ها باشد.

۵-۴-۱. نظارت بر خدمات نقل و انتقال وجوه توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی

اقدام پیشگیرانه‌ای که در این بند به آن پرداخته خواهد شد نظارت بر اشخاص حقیقی و حقوقی است که خدمات مربوط به انتقال پول یا ارزش را ارائه می‌دهند. نخستین قدم برای نظارت صحیح بر فعالیت این گونه اشخاص دارای مجوز بودن و به ثبت رسیدن آنهاست. کنوانسیون در بند الف ردیف ۲ ماده (۱۸) به لزوم نظارت بر کلیه مؤسسات انتقال پول از طریق صدور مجوز برای آنها اشاره می‌کند.





در توصیه شماره ۱۴ گروه اقدام مالی نیز این موضوع تأکید می‌گردد که کشورها باید با اتخاذ تدابیری اطمینان حاصل نمایند که اشخاص حقیقی یا حقوقی که خدمات مربوط به انتقال پول یا ارزش را ارائه می‌دهند دارای مجوز بوده یا به ثبت رسیده‌اند و مشمول نظام‌های مؤثر برای پایش و اطمینان بخشی به لحاظ رعایت تدابیر مقرر در توصیه‌های گروه اقدام ویژه مالی هستند. همچنین کشورها باید برای شناسایی آن دسته از اشخاص حقیقی و حقوقی که بدون داشتن مجوز یا ثبت، اقدام به ارائه خدمات مربوط به پول یا ارزش می‌کنند، تدابیری را اتخاذ کرده و مجازات‌های مناسبی را نسبت به آن‌ها اعمال کنند. کنترل نقل و انتقال وجوه از سوی اشخاص، بنگاه‌ها و شرکت‌ها بار دیگر در توصیه ویژه شماره ۶ گروه اقدام مالی مورد تأکید قرار گرفته و توصیه گردیده فعالیت‌های غیر مجاز با مجازات و تحریم‌های متناسب باید پاسخ داده شود.

اگرچه آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در ماده (۲۸) بر اتخاذ رویکرد مبتنی بر ریسک در خصوص کلیه نقل و انتقالات ارز یا وجوه چه به صورت فیزیکی چه به صورت مراسلات پستی یا الکترونیکی و یا از طریق حواله و اوراق بهادار تأکید کرده است، اما در خصوص لزوم ثبت مؤسسات مجاز به نقل و انتقال وجوه یا مجازات فعالیت اشخاص یا مؤسساتی که بدون مجوز قانونی نسبت به نقل و انتقال پول یا ارزش اقدام می‌کنند حاوی مطلبی نمی‌باشد.

۵-۱-۵. نظارت بر نقل و انتقال الکترونیکی وجوه

امروزه بسیاری از نقل و انتقالات وجوه به صورت الکترونیکی انجام می‌گردد و در صورتی که این گونه نقل و انتقالات فاقد اطلاعات ضروری مربوط به فرستنده و ذینفع باشد، امکان سوءاستفاده از چنین خدماتی را برای ارتکاب جرایمی از قبیل تأمین مالی تروریسم را فراهم خواهد نمود. بدین خاطر است که گروه اقدام مالی در توصیه شماره ۱۶ کشورها را بر آن داشته است اطمینان حاصل کنند مؤسسات مالی اطلاعات ضروری و دقیق در مورد فرستنده وجوه و اطلاعات ضروری مربوط به ذینفع (دریافت کننده وجوه) در هنگام فرآیند نقل و انتقال الکترونیکی را درج و نگهداری کرده و بر تمامی نقل و انتقالات از این دست، مورد پایش قرار می‌دهند. در توصیه ویژه شماره ۷ گروه اقدام مالی مجدداً بر



کنترل نقل و انتقال الکترونیکی وجوه تأکید شده و به موجب آن مقرر گردیده اطلاعات لازم شامل نام، آدرس و شماره حساب فرستندگان و گیرندگان وجوه می‌بایست ثبت گردد. در این راستا ماده (۲۸) آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم موضوع تکلیف مؤسسات مالی و سایر اشخاص مشمول این قانون در خصوص نظارت بر نقل و انتقال الکترونیکی وجوه را با رویکردی مبتنی بر ریسک مطرح و بر لزوم گزارش عملیات مشکوک به واحد اطلاعات مالی تأکید نموده است.

۵-۱-۶. نظارت بر نقل و انتقال وجوه از مرزها به صورت فیزیکی

مشخصاً به منظور جلوگیری از تأمین مالی تروریسم کنترل نقل و انتقالات فیزیکی وجوه از مرزها نیز ضرورت دارد. کنوانسیون موضوع اخیر را در قالب یکی از مواردی که کشورها در خصوص آن می‌بایست همکاری لازم را اتخاذ نمایند بیان کرده و در این رابطه بند ب ردیف ۲ ماده (۱۸) مقرر داشته کشورهای عضو اقدامات لازم جهت ردیابی و کنترل حمل و نقل فیزیکی مرزی پول نقد و اوراق بهادار بی‌نام را بدون اینکه این امر مانعی در آزادی انتقال سرمایه ایجاد نماید اتخاذ نمایند.

گروه اقدام مالی نیز در این رابطه در توصیه شماره ۳۲ مقرر می‌نماید کشورها باید تدابیر مناسبی را برای کشف انتقالات فیزیکی برون مرزی پول و اسناد قابل معامله بی‌نام از جمله از طریق اظهارنامه و یا سیستم‌های افشا اتخاذ نمایند. همچنین کشورها باید اطمینان حاصل نمایند که برای توقیف یا اعمال محدودیت در مورد پول یا اسناد قابل معامله بی‌نامی که مشکوک به ارتباط با تأمین مالی تروریسم، پولشویی یا جرایم منشأ هستند یا به نادرستی اظهار یا افشاء شده‌اند، از اختیارات قانونی لازم برخوردار هستند. توصیه ویژه شماره ۹ گروه اقدام مالی مجدداً به بحث کنترل نقل و انتقالات فیزیکی وجوه پرداخته و در این رابطه بیان داشته که این کنترل باید از طریق تفویض اختیار لازم به مراجع ذیصلاح برای مهار کردن ابزار نقل و انتقال فیزیکی وجوه یا اعلام اطلاعات نادرست باشد. همچنین قوانین موضوعه باید به نحو شایسته‌ای طراحی شود تا از قدرت بازدارندگی لازم برخوردار باشد. این قوانین در شرایط جابه‌جایی وجوه به نفع گروه‌های تروریستی باید با توصیه شماره ۳ سازگار و امکان ضبط و مصادره وجوه را ایجاد کند.



در رابطه با تکلیف نظارت بر نقل و انتقال فیزیکی وجوه به منظور پیشگیری از تأمین مالی تروریسم همان گونه که در بندهای قبل مورد اشاره واقع شد، ماده (۲۸) آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم این وظیفه را بر دوش کلیه اشخاص مشمول این قانون نهاده تا در صورت مشاهده هر گونه عملیات مشکوک موضوع را به واحد اطلاعات مالی گزارش دهند.

۵-۲. واکنش‌ها

۵-۲-۱. جرم انگاری تأمین مالی تروریسم و مجازات مرتکبین آن

در واکنش به پدیده‌های جنایی شدیدترین نوع پاسخ، مجازات است. پس از ظهور پدیده‌ی جهانی تروریسم و شکل‌گیری منابع مختلف بین‌المللی در این زمینه، مهم‌ترین الزام شکل گرفته برای دولت‌ها جرم‌انگاری این عمل و در نتیجه اعمال ضمانت اجرای کیفری برای مرتکبین آن است. الزام دولت‌ها به جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم، که مصادیق آن در ماده (۲) این کنوانسیون مطرح گردیده؛ در ماده (۴) کنوانسیون بیان می‌گردد. مطابق بند الف این ماده، کشورها باید جرایم نامبرده شده در ماده (۲) را در قانون داخلی خود جرم تلقی نموده و مطابق بند ب، این جرایم باید مشمول مجازات مقتضی با توجه به شدید بودن ماهیت‌شان قرار گیرند. همچنین در ماده ۵ کنوانسیون به لزوم ایجاد مسئولیت برای اشخاص حقوقی که مرتکب این جرایم می‌گردند اشاره شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ «ماده ۲) هر فردی که در چارچوب معنای این کنوانسیون، مرتکب جرمی گردد، هرگاه به هر وسیله، مستقیم یا غیر مستقیم، غیر قانونی و عمدتاً پولی را تهیه و یا جمع‌آوری کند، به قصد آنکه تماماً یا بخشی از آن جهت انجام موارد ذیل صرف گردد و یا با علم به اینکه قرار است با شرایط زیر مورد استفاده قرار گیرد: الف) عملی که در چارچوب شمول و طبق آنچه که در یکی از پیمان‌های مندرج در ضمیمه تصریح گردیده، جرم محسوب گردد؛ یا ب) هر اقدام دیگری که به قصد کشتن یا وارد آوردن جراحات شدید جسمانی به افراد غیر نظامی صورت پذیرد یا به هر فرد دیگری که سهم فعالی در خصومت‌ها طی منازعات مسلحانه نداشته باشد و در زمانی که قصد انجام چنین عملی از لحاظ ماهیتی یا محتوایی به قصد ارباب مردم یا وارد ساختن دولت یا یک سازمان بین‌المللی جهت انجام یا ممانعت از انجام هر گونه عملی باشد.»



گروه اقدام مالی نیز در توصیه شماره ۵ مقرر می‌دارد کشورها باید علاوه بر جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم بر مبنای کنوانسیون، تأمین مالی سازمان‌های تروریستی و افراد تروریست را حتی در صورت عدم ارتباط آن‌ها با یک اقدام یا مجموعه اقدامات تروریستی خاص، جرم‌انگاری کنند. مجدداً در توصیه ویژه ۲ گروه اقدام مالی بر مجازات سنگین این مرتکبین جرم تأکید می‌گردد.

در راستای الزامات یاد شده، در نظام حقوقی ایران، تأمین مالی تروریسم برای نخستین بار به موجب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ جرم‌انگاری گردید و مجازات آن در صورتی که عمل در حکم محاربه یا افساد فی الارض تلقی نشود، علاوه بر مصادره وجوه و اموال، ۲ تا ۵ سال حبس و ۲ تا ۵ برابر منابع مالی تأمین شده خواهد بود. (ماده ۲ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم)

در مواجهه با جرم تأمین مالی تروریسم یکی دیگر از الزاماتی که به موجب منابع بین‌المللی دولت‌ها با آن روبه‌رو هستند، انسداد و مصادره دارایی تروریست‌هاست. این موضوع در ماده (۸) کنوانسیون بدین‌نحو مطرح شد که کشورها باید اقدامات مقتضی جهت شناسایی، ردیابی و مسدود کردن وجوهی که جهت ارتکاب جرایم مندرج در ماده (۲) کنوانسیون هزینه می‌شود یا تخصیص می‌یابد و نیز عواید حاصل از این جرایم را انجام دهند، البته بدون اینکه این امر لطمه‌ای به حقوق اشخاص با حسن نیت وارد سازد. در قطعنامه ۱۳۷۳ نیز به موجب بند پ ماده ۱ کلیه کشورها مکلف شده‌اند که وجوه و سایر



دارایی‌های مالی و منابع اقتصادی اشخاصی را که مرتکب یا شریک در ارتکاب یا تسهیل عملیات تروریستی می‌شوند یا شروع به ارتکاب آن می‌کنند را مسدود سازند. در ادامه این حکم به مؤسسات و اشخاص حقوقی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به اشخاص یاد شده در بالا تعلق داشته یا تحت کنترل ایشان باشد نیز تسری داده شده است.

گروه اقدام مالی در بحث انسداد و مصادره دارایی‌ها، در توصیه شماره ۴ پس از بیان تکلیف دولت‌ها به قانونگذاری‌های مقتضی جهت انسداد، توقیف و ضبط دارایی اموال تطهیر شده از طریق پولشویی، عواید حاصل از پولشویی یا جرایم منشأ، اموالی که حاصل تأمین مالی تروریسم، اقدامات تروریستی یا سازمان‌های تروریستی هستند، از امکان مصادره‌ی اموال، بدون نیاز به محکومیت کیفری، تا جایی که مطابق با اصول حقوق داخلی کشورهاست، صحبت به میان می‌آورد.

قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و آیین‌نامه اجرایی آن، بحث توقیف و مصادره اموال را در سه مرحله مختلف از وقوع جرم مورد اشاره قرار داده است. نخست، در مرحله‌ای که هنوز وقوع جرم اثبات نشده و ظن به رخ دادن آن وجود دارد. سپس هنگام تحقیقات مقدماتی و در نهایت پس از اثبات وقوع جرم در مرحله‌ی اعمال ضمانت اجرای کیفری.

در نخستین مرحله ماده (۱۷) آیین‌نامه مقرر می‌دارد که واحد اطلاعات مالی به عنوان مرجع وصول گزارش معاملات و عملیات مشکوک موظف است در صورت ظن ارتکاب جرم تأمین مالی تروریسم به منظور جلوگیری از مخدوش شدن و از بین رفتن آثار جرم تا رسیدگی مراجع قضایی و اقدام ضابطان دادگستری، نسبت به اعلام مراتب به مقام قضایی جهت انسداد سریع و موقت حساب و توقیف وجوه و دارایی‌های مرتبط با تأمین مالی تروریسم و جلوگیری از هرگونه نقل و انتقال اموال اقدام نماید. همچنین بر اساس ماده (۱۶) آیین‌نامه کلیه اشخاص مشمول قانون مبارزه با پولشویی (که مطابق ماده (۵) و (۶) این قانون عبارتند از بانک مرکزی، بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری، بیمه‌ها، بیمه مرکزی، صندوق‌های قرض‌الحسنه، بنیادها و مؤسسات خیریه و شهرداری‌ها، دفاتر اسناد رسمی، وکلای دادگستری، حساب‌برسان، حسابداران، کارشناسان رسمی دادگستری و بازرسان قانونی) مکلف گردیده‌اند در مواجهه با اشخاص مندرج در فهرست تحریمی (که به موجب تبصره ۱ این ماده توسط کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های امور





اقتصادی و دارایی، اطلاعات، کشور، صنعت، معدن و تجارت، دادگستری و امور خارجه و بانک مرکزی تهیه و برای تأیید نهایی به شورای امنیت ملی خواهد رسید) نسبت به مسدود کردن وجوه و توقیف اموال و دارایی اقدام و ضمن اعلام موضوع به واحد اطلاعات مالی، مراتب را با فوریت جهت اخذ دستور مقام قضایی به مراجع ذیصلاح قضایی اعلام نمایند. در خصوص اقدامات لازم در مرحله تحقیقات مقدماتی ماده (۵) قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم به وظیفه مراجع قضایی و ضابطان دادگستری که تحت تعلیمات، نظارت یا دستور این مراجع می‌باشند در خصوص شناسایی و مسدود کردن وجوه استفاده شده برای جرایم تأمین مالی تروریسم یا عواید به دست آمده از آنها و همچنین شناسایی و توقیف اموال موضوع جرایم مذکور اشاره کرده است. در نهایت موضوع مصادره وجوه و اموال به نفع دولت، به عنوان یکی از مجازات‌های جرم تأمین مالی تروریسم در ماده (۲) قانون مطرح گردیده است.

۶. تحلیل سیاست جنایی ایران در مقابله با تأمین مالی تروریسم

در بحث مقابله با تروریسم و جرایم مرتبط با آن، تقابل و تنش میان این دو ایدئولوژی اصلی آشکار می‌گردد. شاید بتوان اصلی‌ترین قاعده‌ی حقوقی برآمده از دیدگاه فردگرایی را اصل برائت دانست. در رابطه با اهمیت این قاعده در حقوق کیفری پند حکیمانه‌ای^۱ وجود دارد که به فرمول یا نسبت بلک‌استون^۲ نیز مشهور است و بیان می‌دارد: «بهتر است که ده نفر از افراد مجرم تبرئه شود تا آنکه فردی بی‌گناه محکوم شود.» (Sir William Blackstone: 1893) اما اگر بخواهیم این قاعده را در خصوص جرایم تروریستی بازگویی کنیم آیا این گزاره نیز صحیح است که «بهتر است ده حمله تروریستی به وقوع بپیوندد، تا اینکه بخواهیم مانع یک نفر شویم که به تصور غلط ما می‌خواهد حمله تروریستی انجام دهد»؟ بنابراین عقل سلیم حکم می‌کند که در این ساحت امنیت‌گرایی وارد سیاست جنایی گردد. اما نکته‌ای که نباید از آن غافل بود این است که حتی در مقابله با تروریسم و جرایم مرتبط با آن، برقرار کردن تعادلی در حفظ هر دو ارزش «آزادی» و «امنیت» ضروری است.



1. Maxim
2. Blackstone ratio



به عبارت دیگر نباید به بهانه مقابله با تروریسم یا تأمین مالی آن کرامت انسان‌ها با زیر پا گذاشتن اصولی مانند اصول دادرسی عادلانه، ممنوعیت استفاده از شکنجه، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و غیره نقض گردد. اکنون با در نظر داشتن ضرورت ورود نگاه امنیت‌مدارانه برای مبارزه با تروریسم و جرایم مرتبط با آن، به برخی آثار و جلوه‌های امنیت‌گرایی در سیاست جنایی فعلی ایران در مقابله با جرم تأمین مالی تروریسم می‌پردازیم.

۱-۶. آثار امنیت‌گرایی در سیاست جنایی ایران در مقابله با تأمین مالی تروریسم

۱-۶-۱. توسعه دامنهی مسئولیت

با تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، این عمل به عنوان جرمی مستقل جرم‌انگاری گردید. گفتیم که ماهیت جرم تأمین مالی تروریسم به معاونت در جرم شباهت دارد. جرم‌انگاری نوعی خاص از معاونت به معنای توسعه دامنهی مسئولیت و سخت‌گیری بیشتر و حاکی از ورود نوعی نگاه امنیت‌مدارانه است. چه اینکه اگر این قانون نبود و تأمین مالی تروریسم تنها به عنوان نوعی معاونت در جرم قابل پیگرد بود، همچون مصادیق دیگر معاونت در جرم، دارای ماهیت استعاره‌ای می‌شد و تحقق آن منوط به تحقق جرم اصلی می‌بود. با تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، هرگونه اقدامی که با هدف تأمین افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی صورت پذیرد قابل تعقیب است، حتی اگر هنوز به کمک آن هیچ‌گونه جرم تروریستی به وقوع نپیوسته باشد.

۱-۶-۲. تفوق قوهی مجریه نسبت به سایر قوا

یکی دیگر از نشانه‌های امنیت‌گرایی تفوق قوهی مجریه نسبت به سایر قواست. (دلماش مارتی، ۱۳۹۳: ۲۶۵) در سیاست حاکم بر نظام حقوقی فعلی در مقابله با تأمین مالی تروریسم نیز نقش عمده قوه مجریه در نظارت و مبارزه با این جرم مشاهده می‌گردد. یکی از مصادیق این وضعیت ایجاد شبکه‌ای اطلاعاتی زیرنظر قوهی مجریه با دسترسی گسترده بر روی اطلاعات عملیات و تراکنش‌های مالی است. این شبکه اطلاعاتی که به منظور کشف برخی جرایم از جمله تأمین مالی تروریسم ایجاد شده، موسوم به واحد اطلاعات مالی است. تأسیس واحد اطلاعات مالی زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی بر اساس ماده (۳۸) آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی پیش‌بینی گردیده است.



۳-۱-۶. استفاده از ظرفیت جامعه مدنی برای گزارش‌گری جرم

استفاده از ظرفیت جامعه‌ی مدنی برای گزارش‌گری جرم از دیگر نشانه‌های امنیت‌گرایی در سیاست جنایی است. (دلماس مارتی، ۱۳۹۳: ۲۶۵) بر اساس ماده (۳) قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم نه تنها افراد مطلع از وقوع این جرایم مکلف به اعلام آن به مراجع ذی‌صلاح قضایی هستند، بلکه علاوه بر آن در صورت عدم انجام این وظیفه، مجرم محسوب شده و به مجازات تعزیری درجه هفت محکوم می‌گردند. این ماده از آن جهت کم‌سابقه است که برای عموم مردم و نه فقط برای ضابطان قضایی، وظیفه اطلاع‌رسانی در مورد جرائمی که سایرین قصد انجام آنها را دارند در نظر گرفته است. علی‌الاصول، کشف جرم وظیفه ضابطین و دستگاه قضایی است و نه عموم مردم و صرف سکوت در مورد جرمی که دیگری انجام داده است یا می‌خواهد انجام دهد را نمی‌توان جرم محسوب کرد. اما الزام جامعه‌ی مدنی به مشارکت در گزارش‌گری این جرم و پیش‌بینی مجازات برای آن‌ها در صورت عدم انجام وظیفه، نشانه‌ای از امنیت‌گرایی در سیاست جنایی است.

۲-۶. آثار آزادی‌گرایی در سیاست جنایی ایران در مقابله با تأمین مالی تروریسم

۱-۲-۶. رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات

جریان آزادی‌گرا تنها با ارجاع به ارزش آزادی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. آزادی، یعنی حالت اولیه انسان، خاستگاه اولیه و اصلی که به موجب آن، دولت و جامعه نمی‌توانند فرد را اجبار و محدود کنند. آزادی آن چیزی است که به انسان، خصیصه و موقعیت انسان بودن می‌دهد و او را به عنوان بشریت بنا می‌دهد. با وجود این، آزادی برای یافتن قواعدی که آن را اداره و حکومت کند، همواره از عقل کمک می‌طلبد، به همین جهت است که آزادی، نه فقط حالت طبیعت، بلکه جستجوی قانون نیز هست. برتری قانون در سیاست جنایی مبتنی بر آزادی‌گرایی به اصل قانون‌مندی تبدیل می‌گردد. (دلماس مارتی، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۱۰۷) در نظام قانونی ایران، قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی بر این اصل صحه گذاشته‌اند. اصل ۳۶ از قانون اساسی بیان می‌دارد: «حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» همچنین اصل ۱۶۶ مقرر می‌دارد: «احکام دادگاه‌ها باید مستند و مستدل به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.» در قانون جدید مجازات اسلامی نیز فصل مستقلی به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها اختصاص داده شده است. ماده ۱۳ این قانون مقرر می‌دارد: «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا در حکم





دادگاه مشخص شده است، تجاوز کند.» همان گونه که قبلاً بیان شد، تأمین مالی تروریسم به موجب ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم جرم‌انگاری گردیده است. لذا جرم‌انگاری عمل تأمین مالی تروریسم، ممنوعیت این عمل در سایه تصویب قانون و مسئولیت کیفری مرتکبین آن به موجب قانون، گویای رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها در مقابله با این جرم در سیاست جنایی ایران می‌باشد.

۶-۲-۲. رعایت اصل کرامت انسان

یکی از شاخصه‌های سیاست جنایی امنیت گرا، انسانیت‌زدایی یا کرامت‌زدایی در حقوق کیفری است که از نشانه‌های آن مجاز بودن استفاده از شکنجه، رواج مجازات اعدام، اجرای کیفر مرگ بدون محاکمه و غیره می‌باشد. (دلماش مارتی، ۱۳۹۳: ۲۶۵-۲۶۶) در مقابل در سیاست جنایی متأثر از آزادی‌گرایی بر اصولی که موجب تقویت رعایت کرامت انسانی می‌شود تأکید می‌گردد. تأکید بر اصل کرامت در رعایت اصولی مانند اصول دادرسی عادلانه مانند اصل برائت، اصل منع شکنجه و هتک حرمت و غیره نمود می‌یابد. در قانون اساسی ایران اصل (۳۷) بیان می‌دارد: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه ثابت گردد.» همچنین منع شکنجه در اصل (۳۸) به عنوان یکی از اصول اساسی بیان شده که به موجب آن هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اصل (۳۹) نیز تأکید می‌کند هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. با وجود اصول اساسی فوق در قانون اساسی ایران، که ناظر بر کلیه قوانین است، کرامت‌زدایی در سیاست جنایی ایران جایگاهی ندارد.

نتیجه‌گیری

با شیوع پدیده‌ی تروریسم در سطحی جهانی، عزمی بین‌المللی برای مقابله با این پدیده شکل گرفت. ابتکار عملی که در این راه مورد استفاده واقع شد، پیشگیری از وقوع اعمال تروریستی با بستن راه‌های تأمین مالی آن بود. منابع حقوق بین‌الملل از جمله قطعنامه ۱۳۷۳، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۹۹۹ و توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی، برای مقابله با تأمین مالی تروریسم تدابیر و اقدامات گسترده‌ای از جمله اقدامات پیش‌گیرانه به منظور شناسایی معاملات مشکوک، نظارت بر نقل و انتقال فیزیکی و الکترونیکی پول، تأسیس واحد اطلاعات مالی، جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم و غیره را





پیش‌بینی نمودند که با تصویب قانون مقابله با تأمین مالی تروریسم در سال ۱۳۹۴ در ایران و آیین‌نامه مربوطه تدابیر و اقداماتی در راستای مبارزه با این جرم در سیاست جنایی ایران اتخاذ گردید. با در نظر گرفتن غایت نهایی جرم تأمین مالی تروریسم که همانا فراهم کردن شرایط و تسهیل ارتکاب تروریسم است، تدابیر و اقداماتی که در راستای مقابله با آن تأمین مالی تروریسم اتخاذ می‌گردند می‌توانند سیاست جنایی کشورها را به سوی امنیت‌گرایی سوق دهند. هدف از امنیت‌گرایی گو این‌که از نام آن پیداست حفظ امنیت است. مقتضیات سیاست امنیت‌گرایانه در تقابل با سیاست آزادی‌گرایانه قرار می‌گیرد. چرا که لازمه‌ی امنیت‌گرایی تحدید هر چه بیشتر حقوق فردی و آزادی‌هاست. آنچه در ساحت مقابله با تروریسم و تأمین مالی آن ضروری است، یافتن تعادلی میان آرمان «صیانت از امنیت جامعه» و در عین حال «حفظ و رعایت حقوق فردی و آزادی شهروندان» است. هرچند جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم، ایجاد شبکه متمرکز اطلاعاتی به منظور رصد کردن کلیه عملیات مالی اشخاص و استفاده از ظرفیت جامعه‌ی مدنی به منظور کشف جرم منجر به تحدید بیشتر آزادی افراد گردیده و حاکی از ورود جلوه‌هایی از سیاست جنایی امنیت‌مدار در زمینه مقابله با تروریسم و تأمین مالی آن در سیاست جنایی ایران است، اما تصویب قانون، مشخص نمودن حدود و ثغور جرم و مسئولیت کیفری در پرتو اصل قانونی بودن جرم و عدم اتخاذ تدابیری که در نهایت منجر به نقض کرامت انسانی افراد و انسانیت‌زدایی از حقوق کیفری گردد، گویای برقراری نوعی تعادل میان دو ارزش اساسی «آزادی» و «امنیت» در سیاست جنایی ایران در مقابله با تأمین مالی تروریسم است.

منابع

- (۱) ابن منظور، ۱۴۱۲ق، لسان‌العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ۹.
- (۲) الاحصائی (ابن ابی‌جمهور)، ۱۴۰۵ق، عوالی‌اللثالی العزیزیه فی‌الاحادیث الدّینیّه، قم، نشر سیدالشهدا، ج ۱.
- (۳) الهویی نظری، حمید؛ فامیل زوار جلالی، امیر، ۱۳۹۶ش، مسئولیت بین‌المللی دولت‌های تأمین‌کننده‌ی مالی تروریسم، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ش ۴۷.
- (۴) ام‌الیوت، جفری؛ رجینالد، رابرت، ۱۳۷۴ش، فرهنگ اصطلاحات سیاسی - استراتژیک، ترجمه: میرحسن رئیس‌زاده لنگرودی، تهران، معین.





- (۵) انصاری، شیخ مرتضی، ۱۳۷۴ش، مکاسب، انتشارات دهقانی (اسماعیلیان)، چ ۳، ج ۱.
- (۶) بشیریه، حسین، ۱۳۸۶ش، لیبرالیسم و محافظه کاری، تهران، نشر نی.
- (۷) توحید فام، محمد، ۱۳۷۴ش، چرخش های ایدئولوژی در گذر تاریخ، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۰۱ و ۱۰۲.
- (۸) جی بیدی، توماس، ۱۳۷۸ش، تعریف تروریسم بین المللی: نگرش عملی (سیدرضا میرطاهر، مترجم). فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵ و ۶.
- (۹) حاجی ده آبی، محمدعلی؛ خاقانی اصفهانی، مهدی، ۱۳۹۲ش، گونه شناسی سیاست کیفری فنی در قبال جرم رمزنگاری اطلاعات از منظر آزادی گرای و امنیت گرای، آموزه های حقوق کیفری، ش ۵.
- (۱۰) حبیب زاده، محمدجعفر؛ حکیمی ها، سعید، ۱۳۸۶ش، ضرورت جرم انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران، مدرس علوم انسانی ش ۵۱.
- (۱۱) دلماس مارتی، میری، ۱۳۹۳ش، نظام های بزرگ سیاست جنایی (علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم). تهران، نشر میزان.
- (۱۲) شیرودی، مرتضی، ۱۳۸۲ش، اسلام و تروریسم، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۵۹.
- (۱۳) طیبی فرد، امیر حسین، ۱۳۸۴ش، مبارزه با تأمین مالی تروریسم در اسناد بین المللی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی ج.ا.ا، ش ۳۲.
- (۱۴) طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۹۰ق، الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳.
- (۱۵) عاملی (حرالعاملی) محمد بن الحسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ج ۱۷.
- (۱۶) علیزاده، حسین، ۱۳۷۷ش، فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران، روزنه.
- (۱۷) قماش، سعید، ۱۳۸۸ش، بنیادهای جرم انگاری در حقوق کیفری نوین، حقوق اسلامی، ش ۲۴.
- (۱۸) کارگری، نوروز، ۱۳۹۱ش، درون مایه های تروریسم، تهران، میزان.
- (۱۹) کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ج ۶.





- (۲۰) گری، جان، ۱۳۸۱ش، لیبرالیسم (محمد ساوجی، مترجم)، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- (۲۱) محقق داماد، مصطفی، ۱۳۸۳ش، قواعد فقه بخش جزایی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- (۲۲) محقق داماد، مصطفی و تقی زاده قوژدی، شیما، ۱۳۸۸ش، ترور و رابطه آن با محاربه با نگاهی به آرا و نظرات امام خمینی (ره)، نامه الهیات، ش ۸.
- (۲۳) موسوی بجنوردی، سید میرزا حسن، ۱۳۱۹ ق، قواعد فقهیه، نجف، چاپخانه ادب، ج ۲، ج ۱.
- (۲۴) موسوی بجنوردی، سید محمد، ۱۳۸۵، قاعده حرمت اعانه بر اثم و عدوان با رویکردی بر نظریات امام خمینی (ره)، پژوهشنامه متین، ش ۳۳.
- (۲۵) نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ حبیب زاده، محمد جعفر؛ بابایی، محمدعلی، ۱۳۸۳، جرایم مانع (جرایم بازدارنده)، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ش ۸.
- (۲۶) هیوود، اندرو، ۱۳۸۳ش، مقدمه بر نظریه‌ی سیاسی (عبدالرحمن عالم، مترجم)، تهران، قومس.

- 27) Amicelle, A. (2008). Etat des lieux de la lutte contre le financement du terrorisme: entre critiques et recommandations. Cultures & Conflits, (71), 169-176.
- 28) Banifatemi, Y. (2002). La lutte contre le financement du terrorisme international. Annuaire français de droit international, 48(48), 103-128.
- 29) Blackstone, William. (1893) Commentaries on the Laws of England, J.B. Lippincott Co., Philadelphia.
- 30) Favarel-Garrigues, G. (2003). L'évolution de la lutte antiblanchiment depuis le 11 septembre 2001. Critique internationale, (3), 37-46.
- 31) Perrin, B. (2012). L'incrimination du financement du terrorisme en droits canadien et suisse. Revue générale de droit, 42(1), 213-265.

